

## « یا زنگی زنگ باش یا کرزی کرز !! »



محمد امین فروتن

پیوسته به گذشته قسمت چهار ل :

دوسه روز پیش بود که درجائی یک خبر از قول اسدالله وفا را خواند. و یاها! به گوشه رسید که : « تعدادی از کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری پذیرفته اند تا از کاندیداتوری شان منصرف شوند.» درست این جمله و این کلیات نقل مجلس بسیاری محافل و مجالس سیاسی و "سیا" سی گردید تا آنجا که وقتی امروز شنبه ۲۵ جنوری سال ۲۰۱۴ مطابق با ۵ دلو ۱۳۹۲ حامد کرزی دل اش به تنگ آمد و در اوج چنین دلپوره گی و دلنتگی بدون وجود هرگونه بهانه و انگیزه ملموس ، محض به ظهور علائیل و ویروس بیماری هولناک مکروفون که از دیر بدینسواشباع نه شده بود اصحاب مطبوعات و رسانه ها را در کاخ "ریا" ست جمهوری افغانستان فراخواند و در نشه ء "چرس قدرت" مافیائی مطابق این گفته مُزحک عامیانه که " الله بلا به گردن مُلا " امریکا را مسؤل تمامی آفات آسمانی و زمینی فاجعه کنونی در افغانستان دانیست و امضای معاهده امنیتی با امریکا را نیز مشروط به تحقق و تحکیم صلح صد در صدی در افغانستان وانمود کرد و همچنان ده ها شرط و شروطی توألاً با مثال های تاریخی مانند امضای معاهده گندمک و یا معاهده دیورند را برای امضای چنین یک موافقتنامه امنیتی مثال زد ، اما قبل از اینکه بحث ال را در اشاره به چنین دلپره گی ها و دلنتگی های "سیا" سی جناب کرزی آغاز کند حکایت واقعی و در عین حال عامیانه ای به نظر آمد که در مقدمه ای این آغازمبحث خدمت شما خواننده گان به عرض میرساند ،

<http://www.youtube.com/watch?v=IT9h3GMJ8Vc>

**حکایت** است که مرد تنبل و بی هُرزه ای غرض ادای فریضه حج بیت الله در یک کاروانی از حجاج به مکه رفته بود پس از بازگشت از ادای فریضه حج مرد جهت ملاقات با این حاجی تنبل و تازه از حج برگشته جوقة ، جوقة به زیارت اش می آمدند و وی نیز قصه های از سفر حج را با آنها بیان میکرد ، اتفاقاً کسی که وی نیز چند سال قبل به زیارت بیت الله مشرف شده بود در باره فرایض و احکال حج بیت الله از وی پرسید که واجبات حج را چگونه و در چه محل های بجا آوردید حاجی تنبل در جواب گفتند که این همه بر عهده کاروان بود و ما قبلاً پول آنرا پرداخته بودیل ....! به هیچ وجه درست نیست و نباید مانند آن حاجی تنبلی به حج رفته ای که از تنبلی و غفلت زیاد در

محافل و تربیون های عمومی وانمود کنیم که حتی اجراء ی فرائیض و مناسک مسلم حج بیت الله را نیز از وظائف کاروان به شمار آوریم !.

مطلب این است که اگر تعبیر و تفسیر زمامداران جامعه افغان بویژه حضرت جلالتمآب کرزی از امضای قرار داد امنیتی با ایالات متحده امریکا چنین بوده باشد که این قرار داد بصورت قطع حیات چندین ساله افغانها را به اجاره گرفتن است گمان نه میکنم به جز رئیس کرزی و برخی همکاران و سفره نشینان و حواریون درباری اش با این تعبیر و تفسیر، باوی موافقت نشان دهند ، این بدان معنا است که هرگونه تفسیر و تعبیر درباره معادلاتی چون صلح ، استقلال طلبی حتی میهن دوستی و سائر مفاهیم سیاسی و ملی درحوزه ملت سازی باید از نو تعبیر و تفسیر گردد . اما عیب این گفتمانی از بازتعبیری و باز تفسیری از مفاهیم و مؤلفه های ملی آنگاه روشن میگردد که پای استبداد و کج دهنی قدرت به میان کشیده شود و زمامدار خود را بالاتر و فراتر از هرنوع قانون بداند و بازکننده استبداد و اشرافیت در حوزه ساختار های ملی و اجتماعی بگردد .

درست به همین دلیل است که حضور والاحضرت حامد کرزی و دیگر نیازمندان مشروعیت و اقتدار مؤلفه صلح در افغانستان را همچون کالا و کفش از بازار تهیه میکنند . درحالیکه صلح گوهری است از جنس اعتبار که در هیچ مقطعی از تاریخ و هیچ نکته ای از جغرافیا به جز از قوانین خاص خودش متابعت نه میکنند . همان گونه که بیان گردید پارادایم صلح در ابتدای حاکمیت استبدادی شبه تیوکراتیک به ظهور نه می رسد بلکه در حاکمیت های مردد سالاری که بر مشروعیت آزاد اراده فرد فردی از شهروندان برخاسته و در بریک فرآیند جمعی اتکا داشته باشند تحقق پیدا میکند . در حالیکه عملاً میبینیم چگونه آن میکانیزم حتی اشرافی قرون وسطی یعنی نهاد لویه جرگه عنعنوی که به قول هوا داران این نهاد عنعنوی که ریشه در سنت جامعه افغانی دارد وقتی ملت افغانستان در طول حیات ملی شان به مسائل و معضلات حاد ملی دچار گردد و بصورت طبیعی قوانین نافذ کشور برای آن عده مشکلات فاقد رهنمائی های لازمه باشند زمامداران افغانستان که به نمائنده گی از مردد افغانستان در صحنه حضور دارند لویه جرگه عنعنوی را به مرکز کشور فرامی خوانند و مطابق به فیصله های آن جرگه ها عمل میکنند ، در حالیکه برای انعقاد پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا و یا هر کشور دیگر جهان مواد مندرج ماده ۹۰ فقره پنجم قانون اساسی افغانستان در باره صلاحیت و لسی جرگه یا شورای ملی چنین حکم نموده است :

۵- تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن.\*

بدون شک تأکید بیش از حد لازم رئیس کرزی بر این مقوله که گویا

« ده سال حکومت برایم یک تجربه را بجا گذشته است و آن اینکه تحقق صلح در افغانستان در ید توانای ایالات متحده امریکا و پاکستان میباشد »

لذا تا وقتی که امریکا و پاکستان عملاً وارد تأمین صلح در افغانستان نه شوند قرار داد و پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا به امضاً نخواهد رسید !!!

جهت اطلاع جلالتمآب حامد کرزی باید گفته شود که بدون آنکه از فضائل و معائب تدویر لویه جرگه و یا هم تناقض آن با اصول قانون اساسی صحبت به میان آید لویه جرگه را برای معاهده و قرارداد امنیتی با امریکا با حضور ۲۵۰۰ تن از منتقدین و نخبه گان افغانستان با هزینه های گزافی به کابل

فراخواندید و حضور اعلیحضرت حامدکرزی نیز خطبه ای غرای به محضر آنها ایراد فرمودند تا آنجائیکه در بیان فضائل و فوائد نهفته در قرارداد امنیتی افغانستان با ایالات متحده امریکا چنان به غلو پرداختند و پس از غور عمیق و بحث های طولانی که در پنجاه کمیته بصورت جداگانه مورد ارزیابی قرار گرفته شد یکصدا اعضای لویه جرگه از حضور اعلیحضرت کرزی خواستند تا هرچه زودتر این پیمان را با امریکا به امضا برسانند و بهتر بود تا پایگاه های نظامی امریکا خانه بخانه ما افغانها مستقرساخته میشدند اما از اینکه به دلایل اقتصادی و دیگر دلایل امکان آن وجود ندارد ، از ایالات متحده امریکا تقاضا داریم تا در ولایت **بامیان** نیز یک پایگاه اضافی نظامی را تأسیس کند !!! اما تغییرات و فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی در جامعه افغانستان چنان سریع به وقوع می پیوست و به پیش میرفتند که فقط در امتداد سه روز جوهر استبدادی مزاج آنحضرت رادر برابر این فیصله به نمائیش گذاشت و حضور اعلیحضرت شرائط تازه ای مانند تحقق صلح با طالبان - عدل مداخله امریکائی ها در انتخابات ریاست جمهوری - پرهیز از بازرسی منازل مردم افغانستان را بحیث شرائط تازه ای مطرح کردند .

ادامه دارد

\* قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان